

# بررسی رویکردهای آموزشی - مشاوره‌ای دانشگاه در گرایش دانشجویان به آموزش، کسب مهارت‌ها و کارآفرینی از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های ایلام

علیرضا سلیمانی\*

عباس شکاری\*\*

## چکیده

در پژوهش حاضر، در قالب پنج فرضیه، رویکردهای آموزشی - مشاوره‌ای مؤثر در گرایش دانشجویان به آموزش، کسب مهارت‌ها و کارآفرینی، از منظر ۲۰۰ دانشجو و ۵۰ استاد از دانشگاه‌های ایلام مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های فراهم‌شده از اجرای یک پرسشنامه محقق‌ساخته با استفاده از آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای و فریدمن تحلیل شده است. نتایج حاکی از آن است که رویکرد ایجاد دانش، نگرش و توانش نسبت به کارآفرینی دیجیتالی با میانگین (۳/۲۵) رتبه برتر و رویکرد آشنایی با شبکه‌های اطلاعاتی، شناسایی فرصت‌های کارآفرینی با میانگین (۲/۵۹) در رتبه پایانی قرار دارد. نتایج پژوهش مؤید آن است که آموزش کارآفرینی و مهارت‌آموزی در دانشگاه باعث افزایش نوآوری و تولید دانش فنی و توزیع درآمد می‌شود. این پژوهش، راهکارهایی را برای ایجاد قابلیت‌ها و مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان مطرح کرده است.

واژگان کلیدی: رویکرد، مشاوره‌ای، دانشگاه، مهارت‌ها، کارآفرینی.

## مقدمه

دانشگاه‌ها و به طور کلی، آموزش عالی و مؤسسه‌های وابسته به آن‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه همه‌جانبه و به خصوص توسعه اقتصادی جوامع به عهده داشته باشند. چگونگی گسترش کمی و کیفی اشتغال مولد در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان که یکی از عوامل مهم تشخیص توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود، ارتباط تنگاتنگی با کارکرد دانشگاه‌ها و دولت و تشکلهای غیر دولتی دارد. در راستای نقش دانشگاه‌ها و به طور کلی آموزش عالی در پرداختن به رویکردهای آموزشی و مشاوره‌ای اشتغال و مهارت‌آموزی باید اعتراف کرد که باید فرایند اداره امور آنها مورد بازبینی قرار گیرد و در صورت عدم ارائه راهکارهایی در جهت همگام کردن دانشگاه‌ها با سیاست‌های مورد نظر جامعه، در آینده، دانشگاه‌ها با چالش‌ها و تضادهای فراوانی روبه‌رو خواهند شد که برای برون‌رفت از این چالش‌ها، مأموریت و اهداف و رویکردهای دانشگاه‌ها را باید به گونه‌ای تدوین کرد که رابطه متقابل بین آن‌ها برقرار شود. یکی از پل‌های ارتباطی بین دانشگاه و جامعه، مقوله کارآفرینی و مهارت‌آموزی و اشتغال است که با کارآفرین کردن دانشگاه‌ها، زمینه برای ایجاد «جامعه کارآفرین» نیز مهیا می‌شود. مسئله اساسی مورد مطالعه در این پژوهش، بررسی رویکردهای آموزشی - مشاوره‌ای دانشگاه در گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های ایلام است تا در آینده ضمن مهم دانستن این مقوله با برنامه‌ریزی‌های کارشناسانه، آموزش و کاربردی کردن کارآفرینی و بازنگرایی در مأموریت‌های دانشگاه‌ها، به موفقیت‌های قابل توجهی در راستای توسعه پایدار از طریق اشتغال‌زایی و ... دست یابیم.

دانشگاه می‌تواند با ایجاد محیط رقابتی فناوری، فرصت بیشتری برای رشد ایجاد کند. ایجاد مؤسسات تحقیقاتی - پژوهشی وابسته به دانشگاه‌ها می‌تواند بسیار مؤثر و مفید باشد؛ چرا که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در محیط و بستری عملی - تحقیقاتی قرار می‌گیرند و می‌توانند آنچه در این دانشگاه آموخته‌اند در معرض حضور قرار دهند (شاه حسینی، ۱۳۸۸: ۳۰).

یکی از اهداف مهم آموزش کارآفرینی، ایجاد انگیزه کافی برای کار و دانش و مشارکت جدی در فعالیتهای سالم اقتصادی است که لازمه آن چگونگی به‌کار بستن تخصص از یک طرف و به‌کارگیری مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی یک واحد کاری و یا انجام کار مفید در محیط‌های کاری از طرف دیگر است (آیت الهی، ۱۳۸۱: ۲).

فقدان وجود یک نظام ارزشیابی کارآمد از فرایند رویکردهای مهارت‌آموزی و کارآفرینی در دانشگاه، اهمیت پژوهش در این رابطه را دوچندان می‌کند؛ بنابراین، برآن شدیم که با انجام این پژوهش به بررسی این موضوع بپردازیم، تا شاید با استفاده از نتایج این پژوهش و تحقیقات مشابه آن در جهت برطرف کردن معایب و تقویت محاسن رویکردهای مهارت‌آموزی و کارآفرینی در دانشگاه پرداخته و نیز در جهت رفع معضلات مربوط به این موضوع با کمک دانشگاه و دیگر دست‌اندرکاران ذی‌ربط اقدامات لازم صورت گیرد.

هدف از انجام این پژوهش، بررسی نظرات اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان ایلام در مورد بررسی رویکردهای آموزشی - مشاوره‌ای دانشگاه در گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی است.

رویکردهای دانشگاه در گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت و کارآفرینی:

✓ تلفیق آموزش تئوریک کارآفرینی با جنبه‌های کاربردی آن،

✓ آشنایی با شبکه‌های اطلاعاتی شناسایی فرصت‌های کارآفرینی،

✓ ایجاد واحد تحقیق و توسعه در دانشگاه،

✓ ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی،

✓ ایجاد دانش، نگرش و توانش نسبت به کارآفرینی دیجیتال.

شاه حسینی (۱۳۸۸) به بررسی عوامل درونی و بیرونی دانشگاه کارآفرین پرداخته و ویژگی‌هایی را برای دانشگاه کارآفرین مطرح کرده است و با نگاه به کارآفرینی و اهمیت آموزش آن در سطوح آموزش عالی و ارتباط آن با عوامل توسعه اقتصادی و اجتماعی و... به تدوین استراتژی‌هایی پرداخته تا دانشگاه‌ها بر مبنای این استراتژی‌ها که خواست خود آنهاست، برای حرکت به سمت کارآفرینی در دانشگاه، برنامه‌ریزی کنند.

صباغیان (۱۳۸۸) طراحی چشم‌انداز و اهداف آرمانی، بازسازی و سازماندهی مدیریت نظام علمی، توسعه توانمندی‌های نرم و سخت نظام علمی، توسعه تعامل با مراکز علمی بین‌المللی، توسعه کارایی نظام علمی، تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت، حمایت از تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی، توسعه نقش بنگاه‌ها در پژوهش، بخشی از سرفصل استراتژی‌هایی است که در پژوهش خود، شناسایی و ارائه کرده‌اند.

به نظرمرادی (۱۳۸۷) یکی از مهم‌ترین مقدمات، تحت تأثیر قرار دادن «نگرش‌های کارآفرینانه» است و ایجاد نگرش کارآفرینانه در دانشجویان شرط لازم برای بروز رفتار کارآفرینانه از سوی آنان است. از وظایف دانشگاه، آموزش کسب و کار و کارآفرینی است که باید از سوی استادان برجسته دانشگاه ارائه شود.

میرعرب رضی (۱۳۸۶) به بررسی نقش آموزش کارآفرینی و مهارت‌آموزی بر اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی پرداخته است؛ چرا که نیروی انسانی با منشأ ایده‌خلاق و همچنین با خصیصه ارزش‌آفرینی و کارآفرینی، محصول دستگاه آموزش عالی است.

کلارک (۱۹۹۸) دانشگاه‌های پویا را در عصر جدید، دانشگاه‌هایی می‌داند که کارآفرین باشند و مهارت‌های مدیریتی را با هم ترکیب کنند و برنامه آموزش و توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها باید با هدف به‌وجود آوردن توانایی‌های علمی و پرورش نیروهایی با ویژگی‌های کارآفرینی طراحی شود.

میتزبرگ (۲۰۰۴) درباره اهمیت زمانی آموزش کارآفرینی اعتقاد دارد که دوره‌های آموزشی کارآفرینی، زمانی مؤثر است که دانشجویان دانشگاه در زمان فراگیری، سابقه کاری نیز داشته باشند تا بتوانند تجربیات خود را در سر کلاس با یکدیگر رد و بدل کنند.

### ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش، برای جمع‌آوری نظرات استادان و دانشجویان پرسشنامه‌ای که متشکل از ۳۵ سؤال بسته پاسخ و ۱ سؤال باز پاسخ است، طراحی و استفاده شده است. برای استخراج رویکردهایی که در این پرسشنامه ارائه و بررسی شده‌اند، از دو منبع استفاده شده است: الف: نخبگان دانشگاهی، ب: پیشینه تحقیق. سؤالات پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت (با ۵ درجه) تهیه شده است. پرسشنامه مذکور از نظر پایایی و روایی مورد بررسی قرار گرفته که مطلوب بود.

### آزمون‌های آماری مورد استفاده

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و استخراج داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. روش‌های آماری استفاده‌شده در این تحقیق، آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن هستند.

### یافته‌های پژوهش

شاخص‌های موجود در این پرسشنامه از ترکیب سؤالات به دست آمده‌اند. در واقع، شاخص‌ها به صورت شبه فاصله‌ای هستند. بنابراین، برای آزمون فرضیات از آزمون (t) تک‌نمونه‌ای استفاده شده است.

**فرضیه اول:** از نظر اساتید و دانشجویان تلفیق آموزش تئوریک کارآفرینی با جنبه‌های کاربردی آن باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی می‌شود.

جدول (۱) آزمون t تک‌نمونه‌ای فرضیه اول

مقدار آزمون = ۲۱				شاخص اول	
درجه آزادی	مقدار t	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان تفاوت ۰/۹۵		تلفیق آموزش تئوریک کارآفرینی با جنبه‌های کاربردی آن
			پائین	بالا تر	
۲۵۰	۱۲/۱	۴/۵	۳/۸	۵/۲۳	

با توجه به نتایج جدول (۱) مقدار t حاصله (۱۲/۱) و سطح معناداری (۰/۰۰۱) فرضیه اول تأیید می‌شود.

**فرضیه دوم:** از نظر اساتید و دانشجویان، آشنایی با شبکه‌های اطلاعاتی شناسایی فرصت‌های کارآفرینی باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی می‌شود.

جدول (۲) آزمون t تک‌نمونه‌ای فرضیه دوم

مقدار آزمون = ۲۱				شاخص	
درجه آزادی	مقدار t	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان تفاوت ۰/۹۵		شبکه اطلاعاتی فرصت
			پائین تر	بالا تر	
۲۵۰	۹/۴۵	۳/۷	۲/۸	۴/۳۱	

با توجه به جدول (۲) و مقدار t (۹/۴۵) و درجه آزادی (۳۱۴) و معناداری (۰/۰۰۱) فرضیه تأیید می‌شود.

**فرضیه سوم:** از نظر اساتید و دانشجویان ایجاد واحد تحقیق و توسعه در دانشگاه باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی می‌شود.

## جدول (۳) آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه سوم

مقدار آزمون = ۲۱					شاخص سوم
درجه آزادی	مقدار t	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان تفاوت		ایجاد واحد تحقیق و توسعه در دانشگاه
			پائین تر	بالا تر	
۲۵۰	۹/۳۵	۳/۶	۲/۸۴	۴/۳۵	

با توجه به جدول (۳) مقدار t (۹/۳۵) و سطح معناداری (۰/۰۰۱) و درجه آزادی (۳۱۴) فرضیه تأیید می‌شود.

**فرضیه چهارم:** از نظر اساتید و دانشجویان ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی می‌شود.

## جدول (۴) آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه چهارم

مقدار آزمون = ۲۱					شاخص چهارم
درجه آزادی	مقدار t	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان تفاوت		ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی
			پائین تر	بالا تر	
۲۵۰	۱۱/۷	۴/۵	۳/۷	۵/۲	

با توجه به جدول (۴) مقدار t (۱۱/۷) سطح معناداری (۰/۰۰۱) و درجه آزادی (۳۱۴) فرضیه تأیید می‌شود.

**فرضیه پنجم:** از نظر اساتید و دانشجویان ایجاد دانش، نگرش و توانش نسبت به کارآفرینی دیجیتالی باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی می‌شود.

## جدول (۵) آزمون t تک نمونه‌ای فرضیه پنجم

مقدار آزمون = ۲۱					شاخص
درجه آزادی	مقدار t	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان تفاوت		ایجاد دانش، نگرش و توانش نسبت به کارآفرینی دیجیتالی
			پائین تر	بالا تر	
۲۵۰	۱۱/۳۱	۴/۸	۳/۹	۵/۶	

با توجه به جدول (۵) مقدار t (۱۱/۳۱) سطح معناداری (۰/۰۰۱) و درجه آزادی (۳۱۴) فرضیه تأیید می‌شود.

### اولویت بندی رویکردها

از نظر پاسخگویان رویکرد پنجم با میانگین (۳/۲۵) مهم ترین و رویکرد دوم با میانگین (۲/۵۹) کم اهمیت ترین رویکرد است. ترتیب اهمیت رویکردها به شرح زیر است. برای این منظور پنج رویکرد مزبور با استفاده از آزمون فریدمن بررسی شد که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول (۶) رتبه بندی رویکردها

میانگین رتبه ها	رویکردها
۳/۰۴	رویکرد اول
۲/۵۹	رویکرد دوم
۲/۸۱	رویکرد سوم
۳/۱۴	رویکرد چهارم
۳/۲۵	رویکرد پنجم

### بررسی فرضیات

**فرضیه اول پژوهش:** از نظر اساتید و دانشجویان تلفیق آموزش تئوریک کارآفرینی با جنبه های کاربردی آن باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت ها و کارآفرینی می شود.

بیشترین میزان پاسخ ها مربوط به «هدایت پروژه ها و پایان نامه های دانشجویی به سمت موضوعات کارآفرینی با رویکرد کاربردی» و کمترین میزان پاسخ ها مربوط به گزینه «آموزش در قالب دروس چندواحدی» بوده است.

یافته های پژوهشی حاضر با یافته های میرعرب رضی (۱۳۸۶) و مرادی (۱۳۸۷) همسو است. از دیدگاه این پژوهشگران فرایند کارآفرینی متأثر از عوامل درون دانشگاهی و برون دانشگاهی است. عوامل درون دانشگاهی شامل دسترسی به تجهیزات و امکانات آموزشی و ... است. با توجه به اینکه کارآفرینی مقوله ای است که دائماً در حال تحول و دگرگونی است، باید روش های آموزش آن ضمن دگرگونی با تأکید بر عمل گرایی و دوری از تئوری پردازی صرف در پی حل مسائل دانشجویان برآید.

**فرضیه دوم پژوهش:** از نظر اساتید و دانشجویان آشنایی با شبکه های اطلاعاتی شناسایی فرصت های کارآفرینی باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت ها

و کارآفرینی می‌شود. در این پژوهش، با توجه به تجزیه و تحلیل آماری، مؤلفه «ارائه خدمات حمایتی و مشاوره‌ای در دانشگاه» از بیشترین اهمیت برخوردار بوده و مؤلفه «تبعیت از تقلیدهای نوآورانه دیگر سازمان‌ها» از کمترین اهمیت برخوردار است.

در دیگر پژوهش‌ها از جمله آقای زارع یکتا (۱۳۸۷) کارآفرین دانشگاهی را کسی می‌داند که با ملاحظات بین‌رشته‌ای و با استراتژی انتقال تکنولوژی و فرصت‌های ایجادشده ناشی از سرمایه فکری دانشگاه، در شرکت‌های مبتنی بر تکنولوژی تعادل برقرار کند.

مرادی (۱۳۸۷) در جهت افزایش قابلیت فرصت‌آفرینی، دانشگاه می‌تواند زمینه حضور دانشجویان را برای انجام کارهای موقت فراهم آورد تا توانایی شناسایی فرصت از زمان حضور در دانشگاه در آنان فراهم شود.

**فرضیه سوم پژوهش:** از نظر اساتید و دانشجویان ایجاد واحد تحقیق و توسعه در دانشگاه باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی می‌شود. با بررسی‌های انجام‌شده، مؤلفه «تسهیل فرایندهای اداری و اجرایی مربوطه در دانشگاه» از بیشترین اهمیت برخوردار بوده و مؤلفه «پذیرفتن انحراف از قواعد متعارف دانشگاه در راستای کارآفرینی» از کمترین اهمیت برخوردار است.

در پژوهش مرادی (۱۳۸۷) نیز درباره ویژگی‌های کارکنان اداری و آموزشی و چگونگی ارتباط آنان با دانشجویان اشاره شده است که با تحقیق حاضر همسو است. در ساختار این گونه نظام‌های آموزشی بر مشارکت در تصمیم‌گیری، کارآموزی دانشجویان، رهبری تفویضی، جهت‌گیری به سمت دنیای خارج و آموزش مداوم تأکید شده است.

**فرضیه چهارم پژوهش:** از نظر اساتید و دانشجویان ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی می‌شود. از بین مؤلفه‌ها «بومی‌سازی و تأکید بر نوآوری‌های درون‌زاد در کارآفرینی» از بیشترین اهمیت برخوردار بوده و مؤلفه «واگذار کردن این مقوله به دولت» از کمترین اهمیت برخوردار است.

یافته‌های این قسمت پژوهش با یافته‌های شاه‌حسینی (۱۳۸۸) و مرادی (۱۳۸۷) همسو است. در این پژوهش‌ها یکی از چالش‌های پیش روی جوامع را بسیاری از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها می‌داند که توانایی و مهارت لازم را برای راه‌اندازی کسب و



کار ندارند و آماده‌سازی دانش‌آموختگان دانشگاه را از طریق توسعه فرهنگ کارآفرینی در آنان ضروری می‌داند.

**فرضیه پنجم پژوهش:** از نظر اساتید و دانشجویان ایجاد دانش، نگرش و توانش نسبت به کارآفرینی دیجیتالی باعث گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی می‌شود.

ایجاد دانش، نگرش و توانش نسبت به کارآفرینی دیجیتالی رویکردی است که از نظر استادان و دانشجویان دارای اهمیت فراوان است. مؤلفه «افزایش قابلیت در راستای تکنولوژی‌های نوین و تدوین راهبردها» از بیشترین اهمیت و مؤلفه «توجه به تجربیات کشورهای پیشرو» از کم‌ترین اهمیت برخوردار است.

زارع یکتا (۱۳۸۷) و شاه حسینی (۱۳۸۸) با رتبه‌بندی که از استراتژی‌های کارآفرینی در دانشگاه به عمل آورده، استراتژی توسعه دفتر صنعت و دانشگاه و نیز تغییر نگرش از طریق توسعه فرهنگ از اولویت‌های برتر برخوردار بوده است، که در ایجاد توانمندی‌های دانشجویان مؤثر بوده و با نتایج این تحقیق همسو است.

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی رویکردهای آموزشی - مشاوره‌ای دانشگاه در گرایش دانشجویان به آموزش و کسب مهارت‌ها و کارآفرینی از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های ایلام پرداخته شده است. از تجزیه و تحلیل پاسخ‌های به‌دست آمده و جداول ترسیم‌شده از آزمون t و تحلیل واریانس محاسبه‌شده، نشان از تأیید شدن فرضیه‌های مورد آزمون است و بر اساس رتبه‌بندی رویکردها، بیشترین امتیاز مربوط به ایجاد دانش، نگرش و توانش نسبت به کارآفرینی دیجیتالی است. در این رتبه‌بندی، ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی در رتبه دوم قرار گرفته است که این امر نشان‌دهنده آن است که همه مسئولان و سیاست‌گذاران با اهمیت قائل شدن برای توسعه فرهنگ کارآفرینی و مهارت‌آموزی در این راستا تلاش کنند. نتایج نشان می‌دهد کم‌ترین میانگین مربوط به آشنایی با شبکه‌های اطلاعاتی شناسایی فرصت‌های کارآفرینی است. از دیگر رویکردهای مورد بررسی، تلفیق آموزش تئوریک کارآفرینی با جنبه‌های کاربردی آن است که با تجزیه و تحلیل پرسشنامه، مؤلفه هدایت پروژه‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی به سمت موضوعات کارآفرینی از اهمیت بالایی برخوردار است و آموزش در قالب دروس چند واحدی از کمترین اهمیت برخوردار است.

به طور کلی، براساس نتایج به دست آمده از این تحقیق و بر اساس نظرات استادان و دانشجویان در رابطه با رویکردهای کارآفرینی و مهارت‌آموزی در دانشگاه، می‌توان گفت که استفاده از این رویکردهای دانشگاه باعث تربیت افرادی کارآفرین و ماهر در عرصه اشتغال می‌شود و با عنایت به این‌گونه رویکردها، می‌توان جامعه‌ای کارآفرین پرورش داد.

### محدودیت‌های تحقیق

- محدود بودن پیشینه تحقیق در خصوص رویکردهای آموزشی - مشاوره‌ای دانشگاه به عنوان یک موضوع نو و جدید در ادبیات و مبانی نظری پژوهش.
- عدم همکاری تعدادی از واحدهای دانشگاهی در خصوص انجام فعالیت‌های مربوط به پرسشنامه.

### پیشنهادات کاربردی

- مسئولان دانشگاه می‌توانند با پرداختن به رویکردهای مؤثر و مهم مهارت‌آموزی و کارآفرینی در دانشگاه زمینه شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه را به وجود آورند (نگاه‌ها و نگرش‌ها را به سمت تغییر و تحول سوق دهند).
- آموزش اختصاصی مدیران مراکز آموزشی و آشنا کردن آنها با ویژگی‌های نظام دانشگاهی کارآفرین و سبک‌های مدیریتی متناسب با محیط‌های کارآفرین در جهت ایجاد دانشگاه کارآفرین‌پرور ضروری است.
- انعقاد تفاهم‌نامه همکاری بین مراکز دانشگاهی با واحدهای صنعتی برای حضور و بهره‌گیری دانشجویان از امکانات آنان و استفاده از توانمندی‌های بالقوه دانشجویان.
- تخصیص مبالغ قابل توجهی از بودجه دانشگاه‌ها به پروسه کارآفرینی و مهارت‌آموزی در جهت برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌آموزی، بازدید از مراکز و مؤسسات کارآفرین، برگزاری همایش و ...

## منابع

- آیت‌اللهی، م. (۱۳۸۱). مقدمه‌ای درباره کارآفرینی. مجله کاردانش. دفتر امور مدارس عالی وزارت آموزش و پرورش، سال اول، شماره دوم، ص ۲.
- زارع یکتا، م. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان، مجله توسعه کارآفرینی. سال اول، شماره اول، ص ۱۱۳-۱۱۱.
- شاه حسینی، ع؛ کاوسی، ا. (۱۳۸۸). تدوین استراتژی تبدیل دانشگاه آزاد اسلامی به دانشگاه کارآفرین. چاپ اول، تهران: دفتر گسترش تولید علم.
- صباغیان، ز؛ مهدی، ر؛ یمنی‌دوزی سرخابی، م؛ فاطمی، ح. (۱۳۸۸). طراحی استراتژی‌های اصلی پژوهش و تولید علم در گروه فنی - مهندسی کشور، فصل‌نامه آموزش عالی. سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، پاییز ۱۳۸۸، ص ۵۹.
- مرادی، ی؛ امیری، ع. (۱۳۸۷). نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان و موانع آن، فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۹، ص ۱۵.
- میرعرب‌رضی، ر. (۱۳۸۶). آموزش کارآفرینی در هزاره جدید؛ زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران.
- Clark, B. R. (1998). The entrepreneurial university: Demand and response. *Tertiary Education & Management*, 4(1), 5-16.
- Mintzberg, H. (2004). *Managers, not MBAs: A hard look at the soft practice of managing and management development*. Berrett-Koehler Publishers.